

تربیت اطفال در خانواده

آن درختی که دامه کشتید
مویه اش را همیشه بکنند پس
مگرش باغبان سرد شا
شاخه نو کند در آن بیوه
ای پدر تربیت جو بیوند
که بر خوبار آن دهد فرود
محمد هاشم میرزا ۱۳۰۷

تألیف

رسول نجفی

طهران سال ۱۳۰۷ شمسی

از سلسله انتشارات کتابخانه طهران

در طهران خیابان لاله راد سر ۱۲



چاپخانه سید و دلی

بعضی از انتشارات کتابخانه طهران

دیوان حکیم ناصر خسرو و مقدمه در شرح حال حکیم **بطلیم تقوی**
 آقا سید حسن تقی زاده با تضمام روشنائی نامه و سعادتنامه و رساله
 در شرح قصیده غیر معلوم در جواب سئوالاتی که از حکیم ناصر خسرو و شبیه
 با فهرست اسماء الرجال که از روی نسخه مصحح آقای حاج سید
 نصر الله «تقوی» که در ظرف مدت ۲۰ سال با زیاده از بدست نسخه
 چینی و خطی معتبر تصحیح و مقابله نموده اند نزدیک سه سالست که در
 مطبعه مجلس مشغول طبع شده و این ایام چاپ آن با طرز بیست و
 مرغوب در ۸۰۰ و کسری صفحه با قطع پنج صفحه بزرگ از طبع
 خارج شده مشغول صحافی است و قریباً منتشر خواهد شد.

کتاب اوصاف الاشراف خواجه نصیرالدین محمد طوسی بتصحیح آقای
 حاج سید نصر الله «تقوی» و خط میرزا حسینخان سنغی «عمادالکتاب»
 در مطبعه دولتی برلن بچاپ عکسی رسیده با تذهیب و کاعد و
 جلد بسیار اتلا موضوع این کتاب اخلاق و عرفان و حکمتست
 قیمت جلدی شش قران بفروش میرسد

تربیت اطفال در خانه که امروز مهم تر و مقدم ترین قدمیست در ترقی
 نسل آئینه ایران قلم رسول نخشی در ۶۵ صفحه انتشار یافته و بارزان
 ترین قیمت برای استعدادهایمان و عامه انتشار یافته
 کتب مهم دیگر هم در تحت طبعست که اعلان آن ها
 پس از انتشار داده خواهد شد.

تربیت اطفال در خانواده

تألیف

رسول «نخشبی»

طهران سال ۱۳۰۶ شمسی

از سلسله انتشارات کتابخانه «طهران» نمره ۶



تربیت اطفال در خانواده

مقدمه

انسان که مریض شد و مرض او سالهای چند طول کشید و تمام رگ و ریشه و استخوانهای او سرایت کرد هر اندازه طبیب این چنین مریضی ماهر و حاذق هم باشد ناخوشی او باین سهولت رفع نشود مگر اینکه چند ماه یا سالی بمرور و تدریج معالجه شود . فرض شود اگر این شخص مبتلای یک مرض صعب العلاج گردیده و مدت طولانی این مرض بر وجود او مستولی شده است هر چند طبیب او شخص مجرب و بصیر باشد باز ممکن نیست در اندک زمانی جسم او را از چنگال يك چنین ناخوشی خلاصی بخشد مگر اینکه آن طبیب ماهر اول مرض را تمیز داده بعد دوائی آن را فهمیده و مدت معالجه را دانسته باشد یعنی مریضی که ده سال مبتلا بوده دوائی درد او نیز تمیز داده شده باشد باز ممکن نیست در آن واحد علاج پذیر شود و آن ناخوشی تند تر شده دنبال کار خود برود جز اینکه مدت زمانی برای معالجه بآید قائل شد که در عرض آن مدت مریض بهبودی حاصل کند .

مرضهائی علی نیز از همین قرار است و فرق نمیکند - وقتی يك ملتی بواسطه عللی که ذکر آنها در این مورد جائز نیست دچار

انواع ناخوشی های مری گردید و رشته های زندگی آن مختل شد قوای مادی و معنوی آن ضعیف گردید و این حال قرنهای طول کشید. يك عده طبیب دلسوز و علاقمند لازم دارد که امراض آن را تشخیص داده دواهای آن را فهمیده و مدت زمان معالجه را دانسته باشند.

ملت ایران نیز یکی از آن مللیست که گرفتار چنین ناخوشی گردیده است و آن ناخوشی هم یکی نیست بلکه ناخوشیهاست که قرنهای بر قوای جسمی و روحی آن احاطه و بر وجود آن غلبه کرده است که اگر حکماء عالم امروز جمع شوند باعاده صحت و تندرستی بدن يك چنین مریضی قادر نتوانند شد مگر اینکه عده اطبای دانشمند که علاقه مخصوص به بهبودی يك چنین ملتی داشته و درد را تمیز داده باشند و مدتی را که این مرض بر وجود آن ملت مستولی شده بدانند و دواي آنرا پیدا نموده مدت استعلاج را درك کنند و اطمینان حاصل نمایند که این ملت در تحت اختیار ایشان خواهد بود که دستور های آنان را با صمیمیت و بدون کم و زیاد عمل خواهد نمود آن وقت میتوان بهبودی و اعاده صحت مزاج آن ملت امید وار شد.

اینک ملت ایران گرفتار يك چنین درد صعب العلاجی شده و این درد قرنیه است در وجود او ریشه کرده و اطبا آن مرض را در این مدت متمادی تشخیص نداده اند و دستور آنها همیشه غلط بوده خدمتگذاران آن علاقه به بهبودی آن نداشته اند و این مرض رفته رفته قوای بدنی آن را تحلیل برده بانواع و اقسام آلام جسمی

و روحی گرفتار نموده است .

حال بیائید این ناخوشی ها را در وجود ملت ایران بشماریم :

شاید بتوان تشخیص داد که این ملت گرفتار چه نوع ناخوشیهاست و آیا قبل علاج هستند یا اینکه باید دست تأسف بهم مالید و بکلی از بهبودی آن نا امید شد .

مرضهائی که میشود تمیز داد عبارتست از فقرالدم و مستی و نا توانی که هر سه نتیجهٔ تبلی و راحت طلبیست و این معدودی از انواع ناخوشی های مسری سرقتست و همیشه اینها را غیر قابل علاج دانست بلکه با بک مراقبت جدی پرستار علاقمند بسپولت علاج پذیر است .

در مرتبهٔ ثانی فقر و فلاکتست که سخت گریبان گیر این ملت شده زیرا که عمال و متصدیان امور آن در نگاهداری ثروت و تولد آن و در پیدا کردن طرق تحصیل ثروت علاقه نشان ندادند بلکه برای منافع شخصی خویش آنچه هم بود برایگان از دست دادند .

سیم - جهالت و بی علمیت و آن نیز نتیجهٔ سوء عمل و عدم توجه مریانست که فقط برای گذراندن چند روزه دورهٔ زندگانی خود يك ملتی را دروادی جعلی و نادانی نگام داشته‌اند و در نتیجهٔ این جهالت قسمتهای عمدهٔ دارائی و منابع ثروت آن از دست رفت .

چهارم - برای اینکه از رشد و نمو قوای دماغی آن جلوگیری کنند مغز آنها را با بک مشت خرافات و اوهام پر کردند و آنها را نسبت باینگونه خرافات و اوهام طوری علاقمند و متعصب بار آوردند که نا هیچ چیزی نشود از دماغ آنها خارج کرد .

پنجم - بدتر از تمام اینها ناخوشی مسری عدم اعتماد نسبت
بیکدیگر طوری در عروق و ریشه این ملت جا بگیر شده که گوئی با شیر
اندرون شده با جان بدر رود.

برای فزای يك قوم یا مدتی سستی مهلتی تر از عدم اعتماد افراد آن
نسبت بیکدیگر نیست مخصوصاً در ستوات اخیر این سوء ظن و عدم
اعتماد در میان سکنه ایران قوی تر شده و يك جدیت و مهارت
مخصوصی می خواهد که این مرض را هم مانند سایر امراض از جسم و
روح ایرانی خارج کنند.

در هر حال ناخوشی های این ملت را یکان یکان نتوان شرح داد
چه تشخیص و تمیز اینها چندان کار آسانی نیست و اگر يك عده علماء
و حکماء مسیح دم پیدا شوند و همت بگذارند که اقلاً معدودی قلیل هم
شده از این امراض بیحد و حساب را که بر این ملت بمرور زمان
و در عرض قرنهای گذشته مستولی شده و حیات ملی آن را فاج کرده
معالجه کنند زهی سعادت و سر بلند است.

نگارنده قلباً آرزو مند است ملت ایران را يك روزی مانند سایر
ملل دنیا زنده دل و نیرومند و دارای روح عادی و معنوی بیند.

دنیای امروز يك میدان وسیع مبارزه مللست و هر ملتیکه
افراد آن تند رست تر و از حیث قوای دفاعی وسیع تر و از علم
و صنعت ماهر تر و از حیث زندگانی ساده تر و ما یحتاج آن از خارجه
کمتر است تفوق و مغزربت آن بیشتر است.

وقتی صکه ملت ایران را با ملل زنده و مرقی دنیا حرف
نسبت قرار بدهید خواهید دید میزان تناسب يك بر هزار هم

نخواهد رسید .

ایرانی از هر حیث عقبست از قوه و بنیه ساختمان بدنی ضعیف ترین ملل اروپاست از علم و صنعت در نقطه صفر واقعست از حیث ثروت دیگر چیزی در بساط نمانده است طرق تولید ثروت را بلد نیست - علم اداری ندارد - يك و جب راه آهن از خود نکشیده از يك معدن خدا دای استفاده ننموده است - يك شهر آباد ندارد امور زندگانی فردی و اجتماعی آن در تحت هیچ قاعده قرار نگرفته هنوز يك قدم اساسی برای حفظ و نگاهداری سکنه برداشته نشده هنوز هم که هست يك آب بی آلاش و خالی از جانوران موزی و مهلك برای پایتخت تهیه نشده است با این حال چگونه ممکن است امید بقا و حیات سیاسی برای يك چنین ملتی در این میدان مبارزه عالم که تمدن اروپائی زندگی در آن را فوق العاده مشکل نموده امید وار بود .

چنانچه در فوق اشاره شد دنیا امروز فقط يك میدان مبارزه بزرگی شده و هر ملتی که توانست سرتاسر آن را بهتر از سایرین بینماید حق حیات برای آن قائل میشوند و الا محکوم بزوال است یا باید در مبارزه زندگی تفوق پیدا کند یا محو شود .

از همین نقطه نظر است که هر روزه در جراید داخلی و خارجی میخوانند در مسابقه هوا پیمائی - شناوری - چوگان - فوت بال و انواع و اقسام ورزش های بدنی فتح با شکست آن ها را اعلان می نمایند .

ایرانی نیز اگر نخواهد زنده بماند و از حیات سیاسی خود بر خوردار گردد باید بدون فوت وقت داخل در این میدان مبارزه بر عرض و

طول دنیا گردد فقط يك چندی از خود گذشتن و فداکاری میخواهد که این ملت در شاهراه ترقی برای اقدم همین قدر که قدم اول را برداشت ترس آن فرو خواهد ریخت و بر دنیا ثابت خواهد شد که روح ایران باستان زوال پذیر نیست .

از هر چیز که چشم توجه دور شد رونق آن کاسته میشود ملت نیز همینطور است عدم توجه و عدم علاقه زمامداران درازمنه گذشته ملت ایران را نسبت بزندگی بی علاقه نموده وقتی که از تربیت ملت غفلت شد تنبل و کودکی بی عزم و اراده بار میآید بحالت حالیه ملت ایران نیز همینست و از تربیت جسمی و روحی آن غفلت شده است و بر عهده علاقمندان این ملتست که جبران کنند .

طریق سهل و ساده که بنظر نگارنده میرسد آن راه تکاملست که بمرور زمان باید ریشه فساد اخلاق ملی را کند و دور انداخت عجله و شتاب و انقلاب غلطت ممکنست آرزومندان ترقی ملت ایران از این راه بمقصود نرسند چه انهاییکه دم از انقلاب میزنند از طبایع بشری بی اطلاعند و از نفوذ عواملی که در نمو و رشد و تشکیل و ساختمان طبایع بشری مؤثر است بیخبرند برای تغییر طبایع و شئون و عادات يك ملتی توسل بانقلاب غلطت برده کنندگان انقلاب هر اندازه قوی و مال اندیش و مدبر باشند ممکن نیست بر طبق آمال و آرزوهای خود از انقلاب نتیجه بگیرند هر قدر پنجه‌های آنها زورمند و توانا باشد بمرور سستی در گریبان ملت از چنگال آنها و چوبخیزه‌ها خواهد شد و مجدداً ملت بعادات و رسوم و شئون دیرینه خود عود خواهد نمود و اگر نتواند تمام مؤسسات اولیه که انقلاب و ازگون نموده است

بر قرار کنند اقلای قسمت اعظم آنها را بر قرار خواهد کرد بدو دلیل بر فراری تمام آنها ممکن نیست یکی ازین رفتن طرفداران جدی آن عادات دوم گسیخته شدن رشته آنها در موقع انقلاب که وصل مجدد آنها کار مشکلی خواهد بود - در هر حال فقط يك چیز از انقلابات باقی خواهد ماند و آن جراحت ضربت انقلاب است که باین آسانی صحت پذیر نیست ولی طریق تکامل بسیار سهل و ساده است و هیچ مانعی در جلوراه آن نخواهد بود و شما را هم اگر راست بگوئید بمنزل مقصود خواهد رسانید بشرطی که توقف دربین نباشد قدمهای آرام و مایلیم و دایم باید بردارید تا بتوانید يك ملتی را از پرتگاه وجود و فنا نجات دهید.

عقیده نگارنده اینستکه برای يك ملت جاهل هر اندازه اسباب راحتی و خوشی و آبادی فراهم آورید بی فایده است مثل اینستکه يك مڈیر با هزار زحمت و رنج يك مقدار ثروت اندوخته بدست يك عده اولاد بی اطلاع و بی تربیت و بی علم و جاهل بسپارد واضح است که عاقبت چه خواهد شد حال ملت ایران نیز همینست تا بتعلیم و تربیت آن همت گماشته نشده هر اقدامی بکنید انی و موقتست ملت ایران محتاج بتربیت اخلاقی و جسمی و روحیست که بتواند در دنیا قدمردی علم کند و بتواند زندگی خود را اداره نماید و بتواند بقدر معرف خود ثروت تولید کند هر وقت توانستید اسباب يك چنین تعلیم و تربیتی را برای ملت ایران فراهم آورید آنوقت باب سعادت را بر روی این ملت کهن سان باز کرده اید و دیگر هیچ نگرانی نخواهد داشت و مطمئن خواهید شد که در آئیه و در

میدان مبارزه زمان جای خود را گرفته اسباب افتخار ایران خواهید شد .
 برای همین مقصود و اینکه شاید بتوانم خدمتی بوطن خود کرده
 باشم این رساله را تقدیم انبای وطن خویش می‌نمایم امیدوارم هر رساله
 دیگر را که یکی (تربیت اطفال در مدرسه) و دیگری که خاتمه این رشته
 است (تربیت اجتماعی ایرانی برای جامعه ایرانی) بعد از این انتشار یابد.

اطفال نو زاد

نتیجه عمر انسان اطفال اوست هیچ چیز در دنیا شیرین تر از اولاد نیست
 از روزی که طفل قدم بعرضه وجود میگذارد این مخلوق لطیف محبوب
 ترین موجود است که اولیای طفل برای نگاه داری و حفظ آن از هیچ
 زحمتی رو گردان نیستند پدر و مادر موجودیت خودشانرا وقف مواظبت
 آن طفل مینمایند و این محبت و علاقه خود یکی از نطاعات متین و
 خلل نا پذیر طبیعتست تا جهان باقیست آن نیز باقیست حال اگر این طفل
 خوب توجه بشود و بطور منظم باو شیر بدهند بموقع شست و شو شود
 از گزنده های موزی (کیک و امثال آن) محافظت کنند و از سرایت
 ناخوشیهای مسری ایمنش سازند لباس نظیف و گشاد مناسب فصل بساو
 بپوشانند و از سرما و گرهای زننده حفظ کنند و از اظهار تند خوئی و
 عبارات درشت که سامعه لطیف و نارسای طفل زننده است خود داری نمایند
 در نیکی خلق مادر و خوبی شیر و نظافت روحی و جسمی او مراقبت کنند
 يك انسان تندرست كه دارای هوش سرشار و ذکاوت طبیعی باشد
 بار خواهد آمد .

مادرهای ما چگونه موجودهای نوزاد را نگاهداری مینمایند :

قطع نظر از حفظ الصحه مادر همینکه طفل بدنيا آمد مادر فوری او را در لثافه گوناگون بپچیده و بایک ریسمان باریک و بلند آغوش محکم ریسمان بیچ نموده سر و صورت او را بدستمالهای متعدد بسته در يك گوشه میخوابانند اگر در بدست و چهار ساعت یکمرتبه بازش نمایند خیلی بر آن طفل رحم نموده اند در ماههای اولیه که هیچ روی آب را نمیبینند و ماهبماه لباس آن عوض نمیشود اگر در میان آن لثافهها ناراحت باشد و فریاد کند جبههای مخصوص که مقداری تر باشد داخل آنست هر چند ساعت یکمرتبه بخورد و میدهند اگر هوای سرد در موقع زمستان باشد در اطرافهایی که هیچوقت هوای تازه در آن داخل نمیشود در میان دو دهای سینگاز و توتون و غلبان نگاهداریش مینمایند و اتفاق میافتد طفل بیچاره هفته به هفته هوای تازه استشاق نمیکند و اگر گاهی بعد از رفع اثر حب کیش (این حبها در میان زنها بحسب کیش معروف شده) بیهوش بیاید باز يك حب تازه با يك مقدار شیر به بچه داده و مجدداً برای چند ساعت دیگر او را خواب میکنند ، البته يك چنین طفلی وقتی که بعد رشد برسد جز يك هیكل ضعیف ، لاغر ، بی حرکت ، از حال رفته ، بیهوش ناقص العقل و قنبل و بیکاره بیش نخواهد بود .

این تقریباً وضع نگاهداری اطفال در میان طبقه سوم و دوم است و آنهائیکه يك اندازه وسائل زندگی بهتری دارند منتها از روز نواد بدست دایه و بعدها بدست نوکر و کلفت داده انتظار دارند يك چنین مردمان بی اطلاع و بی عارقه که حال آنها پرهملوهست برای آن خانواده ها از این اطفال مردمان قوی البنیه و با اخلاق حسنه بار خواهند آورد که اسباب افتخاریك ملت باشند ، خرابی عمده اطفال و هلاک آنها در روزهای اولیه غالباً از همین



جها شروع میشود و عالم اصلی اینککه ایران نمیتواند و نمی شود مردان برومند و فوق العاده تربیت کنند عدم اطلاع اولیای اطفالست که بکلی از تربیات حفظالصحة اطفال و طرز نگاهداری آنها بی خبرند بخصوص مادرها که هیچ بیروزش اطفال آشنا نیستند اغلب نسوان هنوز بیست و پنج سال نرسیده اقلاً پنج یا شش طفل آورده اند ولی هیچیک را نتوانسته اند حفظ کنند و بعد کمال برسانند یا یکی از آنها رفته و دیگری از گلو درد تلف شده سیمی باسهال مبتلا چهارمین از سیاه سرفه هلاک شده در صورتیکه اندک توجه بحفظالصحة اطفال آنها را از خطرهای بزرگ خلاص میکنند.

برای حفظالصحة اطفال مادرها چه باید بکنند ؟

این را باید جزو احتیاق بشمار آورد که يك مملکت بقوای مادی و معنوی مردان خرد قائم و برقرار است و هر مملکتی که نتواند مردان بزرگ وجود آورد در یا زود آن مملکت دستخوش هوی و هوس طماعان زیر دست روزگار خواهد شد رشد و نمو و ترقی يك ملتى بدست مردان مجرب با عقل و عین و فوق العاده آن ملتست و بیروزش این مردان البته باید در این مملکت عالم و مطلع با علمت و با عصمت باشد که قبل از هر امری بحفظ و نگاهداری و رشد و تربیت اطفال آشنا باشد و بداند اعزاء لطیف طفل برزاد از چه چیز مرخصست و بچه وسیله باید آنها را حفظ کرد و بیروزش داد و طریق نگاهداری آن چیست و بچه وسیله رشد میکند و از چه چیز باید آنها را ایمن نگاهداشت از چه غذائی باید احتراز کند و بچه نوع غذاها باید قوای خود را تجدید نماید حفظالصحة خود و شریک خود و طفل خود و منزل خود را چگونه نگاهدارد که ناخوشیهای مسری راه بان خانواده پیدا نکند .

اینها در حقیقت اطلاعاتیست که يك مادر علاقه مند باطفال خود باید بداند و الا نه طفل برای او باقی میماند و نه میتواند ببقای نسل خویش امیدوار باشد پس مادر باید بداند که شرط داشتن طفل، طفل بیعیب، قوی البنیة خوش اندام و بدون هیچ خروشی ذاتی و عرضی که برای او زنده و باقی بماند و در زمانهای بعد اسباب فرح و انبساط پدر و مادر باشد و همچنین اگر بخواهد اطفالی داشته باشد که وطن و ملت در آتیه از وجود آنها برخوردار باشد باید از استعمال الکل شراب و مشروبات قوی و تند مانند قهوه و چای پر رنگ و همچنین از استعمال هر قبیل دخانیات احتراز کند نه تنها خود باید از این قبیل مشروبات اجتناب کند بلکه اگر دارای اخلاق نیکو و نفوذ معنویست میتواند شوهر خود را نیز بتربك استعمال آنها مجبور کند آن وقتیست که میتواند ببقای اطفال خود امیدوار باشد .

وقتیکه يك طفلی از چنین مادریکه دارای صفات فوقست قدم بعرضه وجود گذارد و آنرا بطریقیکه در میان ملتی متمدنه از غنی و فقیر معمولست نگاهداری کرد میتواند از حیات آن کاملاً امیدوار باشد که در آتیه يك انسان کامل با هوش، با ذکاوت، با دانش و دارای بنیه قوی خواهد بود که اسباب افتخار و سر بلندی ملت و مملکت خویش باشد .

حالی باید دید طریق نگاهداری و تربیت طفل نوزاد در میان ملل متمدین چیست .

امروزه حتی الامکان کوشش میشود که تولد اطفال در ماههای بها اتفاق افتد مخصوصاً ماههای اول و دوم بهار چه اطفالی که در این اوقات

متولد میشوند هوای بهار در رشد و نمو آنها دخالت تام دارد در این فصل هوا فوق العاده مساعدست و اطفال را میتوان در لباسهای نازک در رختخواب خود آزاد گذاشت که هر قدر بخواهند دست و پا بزنند مثل روزهای زمستان هوا زنده نیست که طفل را مجبوراً در پوشش های گرم ضخیم بدوشانند که اسباب عدم حرکت دست و پای طفل فراهم بیاید و از روز تولد باید عادت داد که هر روزه با آب مالیم و صابون مطمئن که دارای اجزاء مخالف حفظ الصحه نباشد شست و شو داد و کسیکه اینکار را میکند باید در روزهای اول که مادر طفل در رختخواب است يك قابله حسابی باشد که کاملارعايت حفظ الصحه را بنماید بعد در لباس مناسب وقت گشاد و عریض که دست و پای طفل کاملاً آزاد باشد بدوشانند و چیز شیر مادر چیز دیگر بیاوندهند اگر شیر مادر نیامده باشد عجله لازم نیست طفل دو روز دیگر نیز میتواند بدون شیر بماند و هیچ وحشتی ندارد .

دکتر «جان کوون» در کتاب علم حیات جدید میگوید هیچ چیزی خطرناک تر از این نیست که بطفل شربت یا محلول های دیگر بدهند و این عین عبارت کتاب است :

«بهرتر از هر چیزی که میشود بطفل نوزاد داد دو یاسه قاشق چای خوری آب سرد است که بعد از شستن طفل باید بدهان او ریخت و هر روز صبح این عمل را تکرار کرد و این کار هم امعای طفل را پاک میکند و هم جای غذا را میگیرد تا در پستان شیر پیدا کند اگر موافق این دستور عمل شود طفل آرام و راحت مدت درسامت خواهد خوابید تا مادر طفل از رنج و الم آسوده شده بتواند بطفل پستان دهد اگر طفل خواب نرود و مادر قادر باشد میتواند همان ساعت پستان را بدهان طفل بگذارد و اگر طفل

آرام و راحت یا در حال خواب است بهتر میباشد قدری در دامن پرستار یا در محل گرم اگر بشود پهلوی مادر استراحت کند بعد از چند ساعتی آثار و علائمی طفل از خود نشان میدهد که حاضر برای قبول بستن است در این حالت میشود مادر پستان را بدهان آن بگذارد و بگذارد هر چه میتواند پستان مؤثراً بزند و بی اگر طفل راحتست و آرام خوابیده بدون هیچ نگرانی بگذارد استراحت کند و اگر تا ۲ ساعت هم چیزی نخورد و حشمت ندارد باید مواظب بود که خوب نفس بکشد و هر وقت که لازمست دستمال آن را عوض بکنند و بعد بگذارند برای خود راحت باشد اگر مادر قادر است که طفل خود را شیر بدهد برای طفل نوزاد هیچ چیز بهتر از پستان مادر نیست و بوسه نیامده باشد همان ماده مایعی که در پستان مادر است برای طفل کافیست اما آن آب سرد که در فوق اشاره شده برای چند روز هم نمکنست این دستور را رفتار کرد تا شیر در پستان مادر پیدا شود" (۱)

اینک در شیر دادن طفل و فاصله عدت بین شیر دادن بعضیها عقیده دارند چهار ساعت یک مرتبه بعضی سه ساعت در هر حال باید یک قاعده مخصوصی داشته باشد و الا هر وقت طفل گریه کند برای آرام کردن آن پستان بدهان بگذارند این خطاست و اگر بخواهند از ناخوشی و خرابی معده طفل جلوگیری شود بهتر است برای طفل نوزاد دو ساعت بدو ساعت بعد سه ساعت بسه ساعت همینکه بسن شش ماه رسید چهار ساعت بچهار ساعت بطور منظم شیر داد و هم باید عادت داد که در شب

(۱) صفحه ۶۵۶ از کتاب علم حیات جدید «جان کون»

The Science of A New Life By John Cowan,
M. D. London. 1905

بهیچوجه شیر داده نشود که فوق‌العاده هم برای طفل و هم برای مادر بد و مضر است .

طفل را باید خودمادر شیر بدهد و هیچ لذتی برای مادر بهتر از لذت شیر دادن بطفل خود نیست در حقیقت هر مادری که نتواند بچه های خود را خود شیر بدهد اساساً نباید چنین مادری طفل بیاورد و هیچ مردی نباید چنین کسی را شریک عمر خود بکند در این باب باید دقت فوق‌العاده نمود دختری که میخواهد نام مقدس مادری را دارا شود باید از بنیه و استعداد تربیت اطفال آینده خود کاملاً اطمینان داشته باشد و الا يك خانواده را سیاه روزگار کرده است.

چندی قبل در امریکا کنگره از نسوان تشکیل شد و یکی از بحثهای آن کنگره این بود که میخواهند بدانند بزرگترین زنهای در دنیا کیست نتیجه که بعد از بحثهای طولانی گرفته شده اینست : آن زنی که خانه خود را مرتب و منظم میکند و اطفال خود را خود شیر داده و برشد میرساند و آنها را تربیت کرده يك وجود های مفیدی برای ملت و وطن خود تهیه میکند آن زن بزرگترین زنهای دنیاست .

این راهم باید دانست تا دختر بسن ۴ سال فرسیده نمیتواند اطفال قوی البنیه و تندرست بیاورد چه تا آن سن فرسیده رشد اعضاء او تکمیل نشده است یکی از علل انحطاط ملت ایران از اینجاست که از سن کم بدمان زن داده و دختران را شوهر میدهند و اطفالی که از این وصلتها پیدا شوند تماماً ضعیف، لاغر اندام، بی قوه، رنگ زرد، کم خون و اگر بسن رشد برسند کم عقل یا بیهوش یا تنبل و نالایق خواهند شد .

اگر از علم تشریح و فیزیولوژی اطلاع داشته باشید میدانید من چه میگویم و آن يك بحث طولانی دارد که اینجا مورد ندارد همین قدر کافیت اگر بخواهید اطفال شما زیست کنند و بعد رشد برسند و انسان قوی البنیة باهوش جدی و برای مملکت مفید باشند بهترین سن که برای داشتن اولاد مناسبست برای مرد سن ۲۹ یا ۳۰ و برای زن سن ۲۴ یا ۲۵ سال در سالهای یائین تر از این مناسب نیست و اینکه اینهمه اطفال تلف میشوند و جوانان و مردان و دختران یا زنهای ایرانی کوچک اندام کم جثه یا کم خون یا علیل المراج و مبتلا با انواع واقسام ناخوشیها هستند علت عمده ازدواجست که بدون رعایت سن و سال صورت میگیرد دیر یا زود این موضوعات پیش خواهد آمد و يك روزی خواهد رسید که این مسائل مورد توجه عامه واقع شود و آن روزیست که ایرانی بفکر بقای نسل خود بیفتد .

تربیت خانواده - تذکر بعضی نکات لازم

در فصل گذشته از تولد طفل صحبت شد فرض میکنیم يك چنین طفلی از يك پدر و مادری که دارای شرایط مخصوص میباشد پیدا شد و روزها و هفته ها و ماههای اولیه آن طوریکه اشاره شد گذشت يك طفل با بنیه و تندرست بار آمد در شیر دادن و شست و شو - پوشش و هواخوری و گردش و سرد و گرم نگاهداشتن دقتهای لازم را بجا آوردند و از خوردن حب های کیف و سایر داروهای مکیف احتراز کردند پدر و مادر کاملاً رعایت حفظ الصحه طفل را نمودند و خودشان نیز از استعمال الکل و مشروبات تند زنده و دخانیات اجتناب نمودند

طفل سال اول خود را پايان رسانيد اينك تربيت اوليه كه موسوم بتربيت خانواده است شروع ميشود طفل جسته جسته سخن گفتن آغاز ميكند در اين موقعست كه بايد تمام نكات اخلاقي را در نظر گرفت و اگر از اين تاريخ ببعده در الفاظ و كلمات اوليه كه ذهن ساده طفل مستعد فرا گرفتن آنهاست دقت لازم نشود در قدم اول خود اسباب خرابي دماغ و صفات اخلاقي آتیه طفل را فراهم آورده .

اين بسيار عادت بدبست كه پدر و مادر يا هر يك از خویشان بدان و بستگان اطفال خوردسال را با كلمات خارج از تراكت ميخوانند و از سال اول طفل را بگفتار الفاظ ركيت عادت ميدهند اين خود يكي از عللست كه اطفال را بسوء خاق و ادای كلمات زشت و اميدارد و در آتیه برطرف كردن آن خیلی مشكلست اغلب اوقات دیده شده الفاظ زشت را بدهان اطفال گذاشته و باصرار و اميدارند برای خنده و تفریح حضار آنها را تكرر كنند و رفته رفته ملكه و ذهني طفل شده در هر مجلس و موقعی آنها را ادا ميكند .

وقتی كه در اول گفتار زبان طفل باین نوع كلمات عادت كرد و در مغز او جای گرفت اخراج آن باین آسانی ها ممكن نيست چه دماغ طفل حساس تر از هر چيز حساسيت كه تصور شود وقتی كه صورت يك كلمه در آن نقش بست آنها هم بطرز خنده و گشاده روئی و در هر تكرر هم عوض منع از طرف پدر و مادر يا حاضرین يك مقدار خنده تحویل گرفت بعدها شستن آنصورت از نهاد طفل جز بترش روئی و نهيدن يا به تنبيه صورت نميگيرد وقتي كه كار بدینجا كشييد اول خرابي دماغ اطفالست زیرا كه ترش روئی و تغیر و تشدد نسبت باطفال خوردسال باعث

عدم رشد و نمو آنهاست نگاه های محبت آمیز پدر و مادر اسباب حیات طفلست تغیر و تشدد علل قطع نمو و رشد اوست وقتی که پدر یا مادر بایک قیافه عبوس بطفل خود نگاه میکنند خوبست در همان حین در حال آن طفل هم دقت کنند آنوقت ملاحظه خواهند نمود چگونه طفل کدر و پژ مرده شده است و این رفتار حرکات دماغی او را بکلی مختل میکند اگر این قیافه عبوس تغیر و ضرب هم در دنبال داشته باشد پناه بر خدا یقین بدانید از رشد قوای دماغی او جلو گیری شده است و رفته رفته تکرار این رفتار دماغ طفل را از کار می اندازد و در نتیجه يك انسان ناقص العقل بعرضه میآورد پس بهتر اینست **صکه** از اول بهیچوجه الفاظ زشت و رکبیک را بانطفال باد نداد چه همینکه بزرگ شدند اگر بخواهید ادای آنها را ترك کنید باسانی ممکن نیست و اگر بخواهید بشند خوئی از آنها جلو گیری کنید از رشد دماغیشان جلو گیری کرده اید و این تربیت بسیار زیان آور است.

در حقیقت يك قسمت عمده از این مراقبت بمعهدۀ مادر است چه در این سن بلکه تا تربیت مدرسه شروع شود طفل کاملاً در اختیار مادر است و باید کلمات خوب و عبارات شیرین و اخلاق نیکو و پسندیده را از مادر فرا گیرد و اوست که باید دقت کامل در گفتار و رفتار طفل داشته باشد و هر گز راضی نشود طفل او برای يك دفعه هم شده يك لفظ یا کلمه زشت را بشنود یا ادا کند یقین بدانید ضرر تر از این برای آئینه طفل چیزی دیگر نمیشود تصور کرد.

موضوع مهم دیگری که باید کاملاً رعایت شود آنموضوع اوقات تلخی باغم و غصه مادرست اولاً در مدت شیر دادن که یکسال و نیم یا بیشتر

ماه طول خواهد کشید مادر باید مواظبت کامل داشته باشد که با حال غم و غصه یا اوقات تلخی هیچوقت بطفل خود شیر ندهد ولو هر قدر وضع زندگانی برای او نا مساعد باشد.

باید دانست در دنیا خوشی و راحتی مطلق وجود ندارد و خداوند چنین موجودی را خلق نکرده هر ذی روحی مخصوصاً بشر گرفتار اقسام مصائب حیاتیست و تصور میکند دائماً انواع گرفتاری در بالای سر او دور میزند فقط فکر یکی از اینها کافیتست که خیال انانرا پریشان کند تا درجه تمام اینها خیالهای واهیست که روح بشر را دائماً در زحمت دارند در صورتیکه هزار یکی از این حیالات بشری صورت وقوع پیدا نمیکند.

انسان هر قدر مجرب و مطلع و پیش بین باشد باز گناهگاهی گرفتار نوع مصائب خیالیست و بدون اراده و اختیار يك وقت مبینند امواج دریای بی پایان خیال او را احاطه نموده و کاملاً غوطه ور ساخته اند ولی غالباً این اوهام باشخصی هجوم میآورند که ساعات ایام عمر عزیز را بیهوده و بیطلب میگذرانند اگر قوای بدنی یا حواس خود را مشغول کنند آنهم بکارهایی که نتایج مفید داشته باشد هیچوقت فرصت خیال این نوع اوهام را نخواهند داشت پس راحتی خیال و خوشی زندگی در کار کردنست و مشغول نمودن چشم و دماغ که نتیجه آن برای خود و دیگران سودمند است.

اگر زندگی اولیای اطفال طوری باشد که مشغول انجام کارهای مفید باشند و جسم و روح خود را مشغول کنند هیچوقت غم و غصه بآنها زور آور نخواهد شد میتواند ساعات فراغت از کار را بخوبی و خوشی

بگذرانند بیکاری و تنبلیست که اسباب تولید غم و غصه است زیرا انسان تنبل راحت طلب همیشه معذبست درینصورت مادر باید مدام خود را بواسطه مشغولیات سرود مند از غم و غصه دور بدارد و اگر خدای نکرده گرفتار این نوع مصائبست خوبست اقلال دو وقت شیر دادن فکری غم و غصه را از خود دور بکنند و الاطفال خود را غمگین و محزون بار آورده است.

مکرر دیده شده که مادر با حالت غم و غصه طفل خود را شیر داده طفل در وسط شیر خوردن رقت کرده از پستان جدا شده گریه آغاز کرده است مادرها لازمست بدانند که در وقت شیر دادن باید کاملاً خود را از بند غم و غصه آزاد کنند و هر فکر عالی خوب و پاک ممکنست در نظر بیاورند و در باب آنها فکر کنند.

از طریق شیر دادنست که مادر میتواند هر استعدادی را که میخواهد طفل او در زندگی خود دارا شود در نهاد او بهمان وسيله شیر دادن جای دهد.

فرض کنید اگر مادری بخواهد طفل او يك مرد دانشمندی باشد یا يك صنعتگر ماهری بشود یا يك شخص نظامی باشد لازمست که همیشه در وقت شیر دادن خیال خود را مشغول زندگی مردان دانشمند مخترعین بزرگ یا سرداران ناهی بکنند و از اعمال و گفتار آنها فکر کنند بدون تردید طفل او وقتی که بحد رشد و کمال رسید يك مرد دانشمندی یا يك مخترع ماهر یا يك سردار بزرگ خواهد شد.

دکتر جان کلوون در کتاب علم حیات جدید در صفحه ۱۳۹

باینموضوع اشاره نموده تأثیر افکار مادر را در طفل چه در وقتی که طفل

در رحم مادر است و چه در هنگام شیر دادن برای ساختمان فکری و دماغی طفل: میگویند « طفل مانند گِل است در دست یک کوزه گر ماهر که هر نوع ظرفی بخواهد از آن میتواند بسازد » .
در جای دیگر میگویند: « اگر پدر و مادر بخواهند اولاد آنها از استعمال الکل یا دخانیات در مدت حیات خود احتراز کنند قبلا باید خودشان احتراز کنند و این عدم استعمال و اظهار نفرت از آن در طفل آنها تأثیر نموده مادام الحیات از رویت الکل و دخانیات فراری خواهند بود »

مثلا غالب اشخاص الکلی این عادت مخرب بسری را بطور ارث دارا شده اند یا پدر و مادر هر دو این عادت را داشته اند تا یکی از آنها و این خود کافست که طفل آنها را در آینه گرمسار این بالای علاج ناپذیر یعنی الکل بکند در جای دیگر میگویند: « اگر اولاد صالح امین درست با بنیه و صحیح المزاج میخواهید باید از تمام اعمال زشت مخالف عصمت و عفت و اخلاق احتراز کنید حتی در وقت شیر دادن از گفتار و یا از خیال کردن آنها هم باید احتراز کرد چه در اینموقعست که هر چه در خانواده جریان دارد بواسطه خیال و تفکر مادر در نهاد طفل مانند تصاویر فنا ناپذیر نقش خواهد بست .

اگر مادر عادت زشت و شوم دروغگوئی را دارد یا اخلاق ناپسند دیگر داشته اگر از این صفات مخالف صفات انسانیت در وقت شیر دادن احتراز نکنند بدون شك این صفات ردیله را بارث بطفل خود داده است که در حد رشد و بلوغ اسباب تنگ خانواده و قوم و ملت خود خواهد بود .

در هر حال اگر خدای نکرده پدر و مادر دارای یکی از اخلاق ناپسند باشند باید کاملاً از طفل خود مستور دارند حتی فکر آنرا هم هم در مخیله خود راه ندهند که مبادا اولاد آنها نیز باین خلق ناپسند گرفتار شوند.

مخصوصاً مادر باید در مدت شیر دادن طفل بلکه در سالهای بعد نیز تا ابتدای تربیت مدرسه در امور راجعه بمنزل و غیره دقیق و مواظب و مرتب و منظم باشد و رعایت این نکته مهم را بکند که در این اوقات هر قدر در امور دقیق باشد نظم و ترتیب را در کار رعایت کند بهمان اندازه طفل دقیق و منظم و مرتب بار خواهد آمد و اندک غفلت در اموری که متعلق بمادر است در طفل مؤثر خواهد شد اگر در اوقات دیگر غیر منظم و در امور رعایت نظم و ترتیب را نکرده درین موقع بخصوص باید کاملاً رعایت کند که برای حیات آتی طفل فوق العاده مفید و سودمند است.

یك نکته دیگر که تذکر آن بسیار نافعست نزاع و مجادله در خانواده است خواه بین پدر و مادر یا با کسان و اهل خانواده باید در این باب مقید شد که در اوقات شیر دادن و بعد ها در تمام دوره تربیت خانواده بکلی مناقشه و نزاع و مباحثات تند و خشن را در حضور طفل کنار گذاشت و تا اطفال حضور دارند لازم بلکه واجبست که از اینمقوله ها گفتگو نشود حتی زمانی که اطفال حضور دارند نباید داخل مباحث جدی شد زیرا مباحث جدی با حضور اطفال در عیب اساسی دارد اولاً طفل مشغول بازیست و حرکات طفلانه او طرفین مباحثه را عصبانی میکند ناچارند طفل را بتشدد و تغییر ساکت نمایند

در صورتیکه تشدد و تغیر برای ساکت کردن طفل مضر است ثانیاً دماغ طفل برای اینگونه مباحث آشنا نیست مغز لطیف او از شنیدن این نوع مذاکرات خسته و کسل میشود در هر صورت باید در حضور اطفال از صحبت های جدی و مباحث علمی احتراز نمود .

در حقیقت اگر بخواهید اطفال شما برای جامعه که شما از افراد آن هستید مفید باشد که همیشه و مدام و مخصوصاً در دوره تربیت خانواده آنها را باحالت گشاده روئی بپذیرید یا خنده و قیافه باز آنها را در آغوش بگیرید در هر موقع صحبت ها و کار های اطفال را با قهقهه خنده و بشاشت قبول کنید آنها را تشویق کنید صحبت کنند اگر کلمات را بداد میکنند با زبان طفل اصلاح کنید از اول دقت کنید هر کلمه را درست یاد بگیرد ولی بدون فشار از تعلیم کلمات مشکل کاملاً احتراز کنید هر وقت که اوقات تلخ هستید باطفال نزدیک نشوید و با عبوس خود را بایشان نشان ندهید چون فوق العاده مضر است .

داستان دلسوزی را خانم (در يك) (۱) در کتاب خود که برای نسوان نوشته و يك هزار تومان برای آن کتاب جایزه گرفته است حکایت میکند که بسیار مناسبست در اینجا بان اشاره شود .

میگوید : * يك روز طفل خورد سال من دوید خود را بدامن من انداخت و بايك حالت تالمی اظهار نمود ماما جان خانه چرا چنین تاريك شده است مگر میخواهد طوفان بشود گفتم نه عزیزم تاريك نيست بين آفتاب چطور میدرخشد طفل دوید طرف پنجره و فوری مراجعت

(۱) What a young wife cenght To Know By Mr. Emma F. Cingell Drake, M. D. P. 216

نمود اظهار کرد بلی میدرخشید ولی باز تاریکست من فوری منتقل شدم
 که طفل در تحت تأثیر قیافه من واقع شده زیرا که من سخت
 گرفتار خیالات غم انگیز شده بودم از جا بر خاستم گفتم عزیزم برویم
 بیرون شاید هوا تغییر کرده باشد در این هنگام من بکلی خود را از آن
 خیالات حزن انگیز گسار گرفتم و قتیکه از بیرون داخل اطاق شدم
 من قیافه خود را بکلی تغییر داده بشاش و خندان بودم همینکه نگاه
 طفل بصورت من افتاد گونه های او سرخ شده با یک خنده شیرین گفت
 ماما جان چقدر خانه روشن شده و شما خوشحال و خندان هستید .
 اولیای اطفال باید بدانند در هر درجه از درجات زندگی که
 واقع شده اند خواه آن مشکل باشد یا آسان بایستی اصرار حیدت کنند
 یا شمین باشند یا خوشحال در هر صورت ناچار و مجبورند که با اطفال بمالامت و
 علاطت و گشاده زوئی بر خورد بکنند اگر غیر از این بکنند نه تنها روزگار
 خود را با غم و اندوه گذرانده اند بلکه حیات آتیه آن طفل معصوم را
 هم گرفتار غم و اندوه نموده اند که در سالهای بعد که طفل بحد رشد
 و تمیز برسد نتواند از نعمات حیات بر خور دار بوده بلکه همیشه
 محزون و غمگین باشد .

همیشه سعی کنید جنبه خوب و زیبایی دنیا را بطفل معرفی کنید
 تلخیمهای حیات را هرگز نگذارید بکام طفل راه پیدا کند طبیعت چیزی بد
 خالق نکرده و بیدایش هر موجودی برای یک خاصیت مخصوص است بقول
 خداوند اخلاق امروز لرد اوبوری (۱) « نباید از خار گل شکایت نمود
 بلکه باید از وجود خار خوشوقت بوده که گل بار آورده »

(۱) Lord auebury

باید تصدیق کرد که اغلب تلخیها را خود انسان با دست خود برای خود تهیه میکند طبیعت از خلقت آنها بی‌خبر است اگر تلخ کامی های يك نفر را با علل غم و اندوه او را بدقت تحقیق کنید خواهید دید در صد نود خود باعث و مسبب آنها بوده اگر ده در صد باشد که بوسیله محیط یا کیفیت با حوادث نامساعد روزگار برای او تهیه‌شده که طبیعت از وجود آن کاملاً بی‌خبر است.

اگر شخص عاقل و پیش‌بین و مال‌اندیش باشد ممکنست از وقوع تمام آن مصائب و محن جلوگیری کند یا اقلاً از شدت آنها بکاهد و هیچ يك نشود اگر دنیا و زمان و احوال بشر را شناخته است و دارای عزم ثابت و اراده محکم باشد ممکنست با ثبات قدم و رشادت با آنها برخورد کند و با تحمل و برد باری علاج آن مصائب را بنماید و از خود آنها را دور کند اگر اینطور باشد بهیچوجه نخواهند گذاشت اطفال او از مصائب و محن او اطلاع پیدا کنند یا در قیافه آنها آثار حزن و اندوه مشاهده نمایند زیرا که باحوال دماغی و ساختمان فکری اطفال مضر است.

بهترین معلم طفل مادر است - تذکر به مادر

اینک طفل ما که شرح تولد و حفظ السحّه آن در فوق گذشت شروع بگفتار نموده است و هر چیزی جلو پایش میآید از آن سؤال میکند و هر چیزی که نظر او را جلب میکند از حال آن استفسار مینماید مغز او مانند يك سرچشمه چارسیست هر دقیقه يك چیز تازه در مغز او بدو میخورد در آن باب سؤال کند فقط مادر است که در دسترس اوست تمام این سؤالات را باید از مادر خود بکند و انتظار دارد تمام سؤالات او را مادرش با زبان خود او جواب دهد و از ساختمان دماغی

او اطلاع داشته باشد که بداند چگونه باید آنرا تربیت نمود و آنرا برای فرا گرفتن اطلاعات مهمتری آماده ساخت. اشکال مهم اطفال ایرانی و بدبختیهای عمده آنها غالباً از این مرحله شروع میشود مادری که باید طفل را تربیت اخلاقی و خانوادگی بدهد در جامعه ایرانی وجود ندارد چه در تربیت آنها اهتمام نشده و حتی امروز هم نمیشود آنچه می بینم و در جریانت تمامها سطحیست و هیچ عمقی ندارد کتب مدارس آنها معلومست مادر هائی که با این کتب و با این طرز تعلیم تربیت بشوند بحال اطفال آتیه مفید نیستند در هر حال از این مبحث میگذریم چه موضوع بحث ما تربیت خانوادگی اطفال است باید طرز آنرا بیان نمود شاید احتیاج آنها را بوجه آورد. اطفال امروزی که تعلیم و تربیت آنها موضوع بحث ماست مادرهای اطفال آتیه هستند ممکنست در سایه رعایت همین اصول تربیت که با اساس آن در این رساله اشاره شده مادرهای دانشمند و بصیر پیدا شوند آنوقتست که بهر چیز این مملکت و ملت میتواند برای آتیه امیدوار شد فرض میکنیم چنین مادر هائی امروزه وجود دارند و ما بل هم هستند که اولاد آنها درست تربیت شود ولی فراموش کرده اند و گناه هم ندارند چه میشود کرد فراموش شده بزرگان ما نیز فراموش کارند لازمست بار دیگر بطرز نیکوئی تذکر داد و از این تذکر هم هیچ نمی رانجند بلکه ممنون هم میشوند.

طفل برومند که دست و پای او را ریمان قنداق فلج نکرده و حفظالصحة آن کاملارعايت شده باشیر مادر خودش بزرگ شده و در ماه ۱۱ یا ۱۲ شروع برادر رفتن میکند و ۱۷ یا ۱۸ ماهه بسته بسته بصحبت آغاز میکند و در دو سالگی خوب حرف میزند و همه چیز را

خوب می فهمد و خوب می فهماند در این تاریخست که باید مادر کتابچه سؤالات او واقع شود و هرچه سؤال میکند بطور واضح و روشن جواب بدهد و هر سؤالی که جواب آن مطابق فهم او نیست توضیح آنرا با یک زبان ساده و خوش آهنگ بنحوی می شود بوقت دیگر موقوف نموده و حالی کرد که حالا موقع جواب این سؤال نیست مادر باید سعی کند که طفل کاملاً بقول و گفتار مادر خود باور کند هیچوقت خلاف واقع نگوید و اگر نتواند جواب سؤال او را بدهد بدرستی و تند خوانی سؤال او را رد نکند با کمال ملایمت حالی کند که بعدها فکر کرده جواب خوب خواهد داد و سعی کند جواب صحیح تحصیل نموده بطفل خود بگوید و خیال او را راحت کند و الا دماغ متجسس طفل ساکت نخواهد شد و مصر است یک جواب صحیح برای سؤال خود تحصیل کند.

از اینجا است که میگویند مسؤلیت دانستن و عدم دانستن طفل متوجه مادر است اگر طفل چیزی نمیداند برای اینست که مادر از نمی دانست و اگر چیزی فرا گرفته آنرا از مادر خود فرا گرفته است باز بر مخوریم بحقیقت موضوع که در تربیت مادرها باید بیشتر اهتمام نمود.

اگر چه سن در این موضوع در جای دیگر مفصلاً صحبت خواهیم کرد ولی بی مناسبت نیست در اینجا نیز که موقع مناسبت مختصری اشاره شود.

در هر دوره و زمان که یک مرد نامی و فوق العاده بعرضه وجود آمده و اسباب افتخار و برازندگی ملت خود شده است یقین بدانید دارای یک مادر لایق و قابل بوده خوشبخت طفلی که مادر عالم مطلع فهمیم و

لایق دارد يك چنین طفلی باسانی میتواند در دوره حیات خود مشکلات زندگانی را از پیش بر دارد و در تمام دوره عمرش بخوشی زندگانی کند چون که از مادر خود در دوره تربیت خانوادگی بیطون زشت و زیبا بر خورده است و از مادر خود فهمیده است که از چه چیز باید احتراز کند و چه شکل زندگانی خود را باید اداره نماید صفات پسندیده که امروزه برای يك مادر می شمارند عبارت از يك زندگانی ساده و بی آرایش و تجملاتست هر قدر متمول و دارا باشد یا کمترین وجهی میتواند امور خانه خود را با کمال نزاکت و خوبی اداره کند بگذای ساده لباس زندگی ساده خو گرفته باشد يك چنین زنی در سایه علم و اطلاع میتواند مرد خود و اولاد خود را بزنگی بشری که با سعادت توأم باشد آشنا کند و آنها را هم بمیل و سلیقه خود اداره نماید.

تا حدی معلومات داشته باشد که بین حقیقت و اوهام فرقی بگذارد و بداند چگونه وقایع و حوادث مهم گذشته وطن خود را بطور قصه و افسانه در مغز اطفال خود جای دهد و چگونه حس احترام نسبت بآئین ملت خود در قلب آنها بگنجانند و چه قسم روح وطن پرستی در قالب آنها بدمد و تمیز بدهد ملت و وطن او بچه نوع مردان احتیاج دارد که اولاد خود را برای همان مقصود تربیت کند.

البته تربیت يك چنین مادر هائی برای يك ملتی الزم از هر اقدامست و هر ساعت قصد کنند بمقصود خواهند رسید.

اینجاست که باید انسان دست های خود را بسوی خداوند دراز کرده بگوید خدایا بآن طفلی که مادر خوب دادی چه ندادی و بآن طفلی که مادر خوب ندادی چه دادی ؟

خوب در نظر خود مجسم کنید يك طفل سه چهار ساله دوزانوی مادر خود نشسته مادری که مادر نظر دارد بریم صاحب صفات انسانیت که عبارتست از عفت عصمت معلومات خوشی خلاق برومند بعد رشد و کمال رسیده سازی از نجملات و آرایش هئاتی که مخصوص زنان است سبک مغز است طفل يك چنین مادری از پیدایش طفل نوآزاد خواهر یا برادر خود که چند روز پیش ناست متولد شده سؤال میکند و میخواهد بداند این طفل کجا بود چگونه پیدا شد از کجا آمد البته مادری که دارای معلوماتست جوابهای کافی بآء خواهد داد و طفل را بطرز خوشی قانع خواهد کرد طفل از شنیدن آن راضی و خوشحال خواهد شد این نوع صحبت ها اساس او این و درس علمی طفل خواهد بود و البته يك چنین طفلی از چنین مادری تا بعد تمیز برسد بمقدمات علمی آشنا شده است .

بدون شك تصور يك چنین منظره اسباب فرح و انبساط بی پایانست چقدر سود مند بود اقلاعده از مادر های ما بوظائف مادری آشنا بودند امروزه اطفال ملی متمدن دروس و تعلیمات اولید را در جزو تربیت خانواده از مادر فرا میگیرند . « بد بخت اطفال ایرانی »

حفظ الصبحه اطفال

واجب تر از هر چیزی برای خانواده داشتن يك طبيب هانر و حافظت که طرف اطمینان خانواده باشد پدر که تا اندازه معلومات داشته باشد میتواند يك چنین طبيب مجرب و معلمي را انتخاب کند لازمست قبلا از صفات حميده و معلومات علمي او مطلع باشد چه بسا اشخاص فرومایه و پست فطرت که این نام يك طبابت را بخود بسته اسباب تنگ این حرفه شريف شده اند باید از این شیاطین انسان صفت اجتر از کرد و نمی شود انسان خانواده خود را بهر کسی باسم طبيب معرفی کند باید يك چنین طبيبی مرد درست امین عالم و بصیر خوس نیت و پاکدامن باشد بچنین طبيبی مادر میتواند در مواقع لازم طفل خود را نشان بدهد ولی يك مادر با معلومات و مطلع هیچوقت نمیگذارد طفل او کسالت پیدا کند که محتاج مشورت یا معاینه طبيب باشد در هر حال مواقعی پیش میآید که مادر ناچار است بطبيب خانواده مراجعه کند ولی طفل را باید از گرما و سرماي تند و زننده محفوظ داشت لباس موافق فصل بطفل پوشانید هر چه بتوانید لباس پشمی نازک و سبک برای طفل تهیه کنید لباس کتان و پنبه حتی در تابستان برای طفل خوب نیست اگر بشود همه را از پشم لطیف و نازک تهیه نمود چه بهتر باید دقیق باشید که لباس شب طفل از لباس روز جدا باشد و در وقت پوشانیدن دقت لازم باید بعمل بیاید که جانوران موفی در لباس طفل رخنه نکرده باشند.

در شست و شوی طفل باید خیلی دقیق بود بهتر از هر چیزی يك حمام

کوچک است که طفل را در يك اطاق تفویض شب وقت خواب یا صبح قبل از

ظهر بآب گرم و صابون خوب شست بعد لای پا زیر بغل گردن زیر گلو را یودر زد که عرق جوش نکند بهترین مادر ها خودشان این وظایف را انجام میدهند هیچوقت طفل را با امید کفایت یا دایه و پرستار نباید گذاشت .

وقتی که طفل را با نظافت فوق الذکر پرورش دادی هیچوقت در موقع حمام گریه و بی ثباتی نخواهد نمود و حمام هر روزه اسباب فرح و انبساط اوست بعد از تست و شو بدون تنگ یک خراب راحت و خوش خواهد کرد از حمامهای گرم عمومی باید احتراز کرد که برای طفل مضر است (ترتیب شیر دادن قبلاً اشاره شد)

هیچوقت طفل را عادت ندهید در شب شیر بخورد هم برای طفل و هم برای مادر هر دو مضر است وقتی که از اول عادت کرد از سر شب تا صبح در کمال راحت بدون اینکه بیدار شود خواهد خوابید و اگر بیدار شود پهلوی پهلوی کنید با کمی نوازش و زمزمه مادری مجدداً بخواب خوش فرو خواهد رفت - از قنداق و پیچیدن طفل احتراز کنید این بسیار عادت بدیست که دست و پایی ن طفل را در قنداق محکم بسته و مانع از حرکت اعضاء و دست و پای طفل میشوند این عمل از رشد و نمو طفل جلوگیری میکند باید دست و پای او آزاد باشد که در وقت بیداری بازی کند .

گهواره و تکان دادن و بطور ممنوعی طفل را بخواب کردن مخالف حفظ الصحه است طفل را اگر موافق حفظ الصحه نگاهداری کنید بهیچوجه محتاج این نیست که او را بزحمت ساکت و آرام بکنند یا بخوابانند .

طفل صحيح المزاج که از پدرو مادر صحيح المزاج و تندرست بوجود آمده باشد و مطابق حفظ الصحه پرستاری بشود در ماههای اول تولد خود بدون زحمت بیست ساعتی از ۲۴ ساعت شبانه روز را بخواب خواهد رفت فقط در موقع تر شدن دستمال یا گرسنه شدن بیدار میشود همیکه شیر خورد مجدداً بخواب میرود.

هیچ چیزی بهتر از هوای آزاد و صاف برای نمو و رشد طفل نیست باید خوب او را پوشاند و اگر ممکن شود در توی درشکه بچگانه جای گرم و نرم خوب برای طفل درست کرد و گذاشت در هوای آزاد راحت بخوابد اینطریقه برای صحت و سلامت طفل بهترین هوا خور است .

از بوسیدن اطفال خودداری کنید و نگذارید دیگران هم آنها را ببوسند چه اشخاص یا خوبشان طفل اگر هیچ نوع ناخوشی و مرضی نداشته باشند اقل دخانیات استعمال میکنند و نفس آنها بنفس طفل که برسد مضر است يك مادر با اطلاع راضی نمیشود طفل او را يك نفر که استعمال دخانیات میکند هر قدر هم خویش نزدیک باشد ببوسد این همه مضرات که برای دخانیات می شمارند یقینست اگر پیغمبر اکرم بار دیگر دنیا مراجعت فرمایند این را هم مانند سایر مسکرات حرام خواهند فرمود چون بدترین عادات مضره است که انسان مبتلا شده است .

توجه اطفال باید با خود مادر باشد مادری که نتواند خود اولاد خود را شیر بدهد و پرستاری کند و در زیر چشم خود بزرگ کند بهتر نیست که هیچوقت مادر نشود که دارای اولادی باشد مادر صحيح المزاج بنیه توجه و پرستاری اطفال را يك نوع تفریح میدانند اگر حفظ الصحه سایر وسائل تندرستی را رعایت کنند از وضع ساختمان و طریقه نگاهداری

بدن خود مطلع باشد از نكاهداری اطفال خود هرگز خسته و ناتوان نخواهد شد اینكه غالب مادر ها مخصوصاً مادر های خانواده های متمول نمیتوانند در این مسئله بخصوص موفقیت حاصل کنند علت همان عدم رعایت اصول حفظ الصحه و عدم توجه بحفظ وجود خود میباشد و گشاهی بزرگتر از این نمیشود تصور کرد كه يك مادر بواسطه علل وجهاتی كه خود مسبب آن بوده رشد و نمو و پرستاری اطفال خود را باמיד دایه و پرستار بگذارد بهترین غذای طفل تیر مادر است بهترین پرستار طفل خود مادر است بهترین همبازی طفل خود مادر است بالاخره بهترین دلسوز طفل خود مادر است و هر مادری كه انجام این وظیفه را از خود دور کرده و باמיד دیگران میگذارد يك گشاهی را مرتكب میشود كه در پیشگاه عدل و انصافی قابل بخشش نیست .

فقط چیزی كه اسباب رشد و نمو و خوشحالی و راحتی طفلاست همان مادر است و بس هیچ زنی در دنیا نمیتواند جای مادر را بگیرد .

اطفال ذکی

همه کس متذکر است كه اطفال ذکی باهوش جنمی یا کمانن همین بی عیب مطیع و مفید دانسته باشد ولی نمیدانند چگونه باید آنها را باین صفت نیک متصف کرد .

اگر اطلاعات انسان قدری وسیع باشد و بمعلومات و علوه امروزه نا اندازه آشنا شود میداند كه هیچ موجودی بدون این اسباب اصلی صورت خارجی پیدا نمیکند و همچنین برای هر سمعت نیک و بد نیز يك سبب و علتیست كه يك موجود علاوه بر وجود خود صفات مخصوصی نیز داراست بقول علماء اخلاق صفات نیک و بد بشر از جزء و کل در

تحت تأثیر تربیتست يك طفل نوزاد همینکه قدم بعرضه وجود گذاشت در تحت توجه و تربیت ممکنست تمام صفات نيك انسانیت را بمرور زمان تعلیم بگیرد و رفته رفته يك انسان ياك و منزه بعرضه وجود آید و اگر خدای نخواستہ يك چنین پیش آمدی برای آن طفل دست ندهد و مریبان صحیح نصیب او نشود يك چنین طفلی ممکنست یکی از مردمان شرور و باصفات بهائیم بزرگشود و جامعه از وجود او جز ضرر بهره دیگر نبرد در حقیقت این يك نوع صفات عرضیست که بواسطه محیط و تربی طفل دارا میشود اما يك صفات ذاتی نیز وجود دارد که اگر بخواهند تمام آنها در يك موجودی جمع شود و بطور ارثی آنها را دارا باشد لازمست خداوندان طفل قواعد مخصوصی را رعایت کنند بدون رعایت آن قواعد نتیجه مطلوب بدست نمیآید .

بواسطه تحقیقات اخیرى که علماء علم النفس کرده اند تمام صفات نيك انسانیت را میتوان در يك طفل جمع آورد و هر صنعت یا پیشه را که بخواهند طفل در مدت عمر خود آنرا تعقیب کند و بدرجه کمال برساند ممکنست بواسطه پدر و مادر مخصوصاً مادر در نهاد طفل جلی کرد البته تمام اینها در تحت يك قاعده مخصوصیست که باید پدر و مادر طفل آن قواعد را رعایت کنند داستان این موضوع در این محقر رساله نگنجد ، اشخاصی که حقیقتاً بآئیه درخشان ملت و وطن خود علاقه مند هستند لازمست در این موضوع بخصوص قدری دقیق شوند شاید بهمت ایشان اقلاً قسمتی از نسل آینده ایران از این حال خمودت و ضعف مزاج و قلبی و بیقیندی برهند و يك عده انسان کامل ایرانی بوجود آیند حافظ از حاتموم دهقان سالخورده بنور چشم خود گویند

که بجز از کشته‌ندروی چه اندرز محکمیت در حقیقت يك قانون کلیست که گندم از گندم بررید چو ز جو یقین بدانید از يك پدر الکلی و ضعیف المزاج و از يك مادر لاغر اندام علییلاً جز طفل کم خون علییلاً المزاج نیاید یا از يك مرد بده و بی‌شعور کم عقل و مادر بی اطلاع خالی از فهم و ادراک جز طفل بی شعور پیدا نشود.

هنوز اونیای امور بی باین نکته نبرده اند که بهبودی نسل آتیۀ يك ملتی در بهبودی و صحت بدن نسل حاضر است .

و قتیکه انسان هیکل و قیافۀ نسل حاضر را در نظر میگیرد میبیند هیچ آمیدی بهبودی نسل آتیۀ نمی تواند داشته باشد ملت ایران امروز عبارت از يك مشت مردمان خمیده ضعیف المزاج کم خون با مور دنیا بی قید و بی اطلاع در جاهائی زندگی می کنند که پر از خار و خاکست غذاهائی میخورند که موافق حفظ الصحه نیست آبهای می آشامند که پر از میکروبهای کشنده است يك گردشگاه عمومی ندارند سالم میگذرد يك تریخ دماغی نصیبشان نمیشود در دنیا مشغولیاتى جز کسالت دماغ و مزاج ندارند پشت با باین دنیا زده ساکت و آرام و بدون حرکت در انتظار مرگ عمر میگذرانند مثل اینکه باین دنیا هیچ علاقه ندارند اینوضع بسیار ناگوار است دنیای امروز دنیای سعی و کوشش و علم و صنعت و میدان مسابقه و مبارزه است هر ملتی که از میدان مسابقه و مبارزه گذاره نماید فرمان محو و فزای خود را امضاء نموده است .

حالیه ملت ایران این رویه را پیش گرفته است خدا عاقبتش را بخیر کند ایران با يك چنین ملت بیهمت تنبل - لائالی - ضعیف بی بنیۀ بی علم و اطلاع نمیتواند با آتیۀ خود امیدوار باشد مگر اینکه

خود را بفرمان گرفتن تربیت بسنی و دهانگی و اخلاقی حیا و کند تا این تربیت سه گانه را نداشته باشد ممکن نیست در دنیا بتواند زندگی کند برای فرا گرفتن این تربیت سه گانه از حالا و بدون فوت وقت لازمست ملت ایران خود را حاضر کند و جدا داخل عملیات شود و آنها را فرا گیرد شاید بتواند سری در میان سرها علم کند.

اگر دارای این عقیده و آرزو هستید که ایرانی باید بایران فرمان روائی کند و ایران آئینه مال نسل آئینه ایرانی باشد از حال باید بمقدمه عملی شدن این آرزو شروع نمائید مقدمه عبارت از تهیه وسائل تربیت نسل آینده است.

پدران و مادران نسل حاضر باید اقلاً دارای يك معلومات لازمی باشند که بتوانند نسل آینده را يك نسل با بنیه و برومند تربیت کنند باید پدران و مادران نسل حاضر بدانند که هر طور خودشان هستند اولاد ایشان نیز همانطور بار خواهد آمد اگر جدی سعی قوی البنیه صحیح المزاج صحیح العمل صحیح القول و در ستکار و عالم و بصیر باشند اولاد ایشان نیز همانطور و با همان صفات بزرگ خواهند شد اگر خدای نکرده این نکته بخصوص رعایت نمود از رشد و نمو و عقل و ذکاوت نسل آینده نیز باید مایوس بود حرف را باید پوست کنده زد نسل کنونی ایران با حال حاضر نمی تواند انتظار داشته باشد که دیگران برای آن حق حیات قائل شوند زیرا حق حیات برای ملتی قائل میشوند که از خود مردان و زنان با هنر عالم بصیر معالج قوی بنیه و صحیح المزاج درست کردار پیرو دارند مقیاس حیات يك ملتی را با وجود مردان و زنان با هوش با عقل و با دانش آن ملت اندازه میکنند اقلاً يك عدد قایل در

هر رشته از علوم بشری باید در میان آن ملت سر آمد دیگران باشند و الا ملتی که اینگونه مردان و زنان بر جسته نداشته باشد ملت زنده محسوب نمیشود معلومست که ملت ایران چنین اشخاص از خود ندارد و تربیت نکرده و بمعصه وجود نیاورده است اگر بودند انقلاب نور معرفت و معلومات ایشان فضای ایران را روشن کرده بود و ما هم می توانستیم بواسطه وجود آنها سر افتخار بآسمان سائیم اینک باین عیب خود پر خورده ایم و می خواهیم این عیب را اصلاح کنیم چه باید بکنیم ؟

اگر از من سؤال کنید خواهیم گفت هر کس بفرآخور حال خود باید قسمتی از اوقات شبانه روزی خود را صرف فرآ گرفتن تربیت دینی و اخلاقی و دعائی کند یعنی بک مقدار وقت خود را صرف ورزش بدنی کند و بدن خود را از هر نوع آلائش مخالف دیانت و اخلاق پاک و مطهر نگاه دارد و آنرا هر روز قوی تر و برومند تر کند و بدن را طوری تربیت کند که در مقابل امراض گوناگون بتواند مقاومت کند اخلاق و صفات نیک و بسندیده که مقبول عامه است فرآ گیرد سعی کند امین - درست - صحیح التمول نیک رفتار و نیک کردار باشد از استعمال الکل - افیون - دخانیات احتراز کند از مجالست اشخاص زشت کردار بد گفتار دوری نماید تنبلی بیکاری و بیعاری و مفت خوری و کلاشی را کنار گذارده و کوشش کند انقلاب بهمان اندازه که از نعمات مشروع تمدن امروزی برخوردار میشود بهمان میزان با دسترنج و عمل خود تحصیل نموده بجای آن بگذارد که بزر دوش دیگران نشود یا از اندوخته های دیگران صرف نکنند که این زشت ترین صفاتست تربیت روحی و دعائی عبارتست از دانستن علوم و صنایع - هر انسانی

که تربیت روحی و دماغی ندارد انسان کامل نیست و هیچ فرقی بنا
چهار پاسبان ندارد انسان باید دارای معلومات باشد بتواند نوشته های
دیگران را بخواند و قادر باشد افکار بزرگان قوم خود را بفهمد و
توانا باشد بآنها علاوه کند .

وقتی که انسان معلومات ندارد خیر و شر خود را نمیتواند تمیز
دهد محیط خود را نمیتواند بشناسد و به ملت و وطن خود خدمت کند
نمیتواند بخواند خود مفید باشد و جامعه از وجود او نمیتواند استفاده
کنند و نام خود را نمیتواند با انسان بگذارد .

فرا گرفتن اینها تا حدی مشکل نیست فقط يك جوهرت و يك
گندم جدید میخواهد اوصاف بدهد که چندان مشکل نیست کسی
که بشود این معلومات را از او فرا گرفت امروزه بسیار ارزان و مناسبست
در حقیقت بيك صلوة میتوان آنرا فراهم آورد انشاءالله تا شما
با این نیت باشید معارف خواهان نیز بخیال ماشین مدارس و کلاسهای
اکابر خواهند افتاد آنوقت دیگر آبران گلستان عبثود هر کس با اندك
حرف وقت میتواند از معلومات امروزی بهره مند شود اولسای امور
ناچارند يك روزی کلاسهای اکابر برای این ملت تأسیس نمایند اگر
امروز در خیابان تأسیس آن نیستند فردا مجبور خواهند شد این
قسمت ها تا اندازه مقدمه بودولی مقدمه بود که برای مقصود ما لازمست
تا پدر و مادر دارای معلومات نباشند ممکن نیست اطفال آنها را
بآسانی دارای معلومات کرد وقتی که پدر و مادر از دنیای محیط خود
مطلعند بهتر میتوانند ذوق علوم و صنایع را در نهاد اطفال خود
که مردان نسل آینده هستند ذاتی کنند علوم امروزه در حقیقت برده از

روی تمام اسرار جهان بسر داشته است هر عالم بصیر و مطلعی میتواند تقریباً تمام جلوات و تظاهرات موجودات عالم طبیعت را که انسان و حیوان نیز جزو آن موجوداتند بدقت در تحت مطالعه در آورده بذات و ساختمان و طبیعت آنها آشنا شود و از احوال ذاتی و عرضی آنها مطلع شود در این موضوع ما نیز که السانیه داخل در بحث آن هستیم تحقیقات عمیق نموده اند و نتایجی که از آن بدست آمده بحال انسان فوق العاده مفید و سودمند واقع شده است، علماء ابن فن عالم نبات و حیوان را در تحت تأثیر تربیت و بکار بردن اصول علمی ترقیات محیر العقول داده اند چون در اینجا با اصول علمی آشنا نیست باور نتواند کرد که بطریق علمی و با مختصر مراقبت از یک جریب زمین مزروع چگونه میتوان میزان محصول ده جریب زمین حاصل برداشت یا اینکه در جاهائی که ابتدا آب وجود ندارد چگونه زراعت میکنند که محصول آن کمتر از زمین مشروب نمیشود یا اینکه چگونه تمام آفات درخت های میوه را محو و باز آنها را چندین برابر زیاد نموده اند همچنین در تربیت اغنام و احشام و چهارپایان از راه علم و تجربه برشد و نمو و جثه و فریبی آنها افزوده و تمام ناخوشی های مسری و غیر مسری را از میان حیوانات برداشته اند انسان از هیکل و درشتی آنها در شگفت میماند.

مذتهامت فهمیده اند که اگر اطفال برومند نیز هوش و صحیح المزاج میخواهند باید پدر و مادر از تمام ناخوشی های ذاتی و عرضی عاری باشد نه تنها صحت بدن شرطست بلکه سلامت نفس اخلاق نیک معلومات کافی و داشتن حیثیات ملت و وطن دیرستی بزرگترین شرطیست که پدر و مادر باید دارا باشند هر صفت نیک و

زیبنده که پدر و مادر داراست همانها بدون کم و زیاد در اولاد آنها ارثی و ذاتی خواهد شد.

حکماء و علماء فریادشان بعرض رسیده که از اشخاص جانی و صاحبان نخوشی های ارثی جلوگیری شود و نگذارند که آنها زاده و ولد کنند شاید باینوسیله نسل آنها از روی زمین بر افکنده شود.

از يك شخص نامی پرسبندند که تربیت طفل از چه زمان شروع میشود جواب داد بدست سال قبل از تولد طفل!! این جواب قدری بنظر عجیب میآید در صورتیکه هیچ تعجب ندارد دکتر امثال (۱) در کتاب معروف خود گویند نه تنها اخلاقی و خصایص پدر و مادر در نهاد طفل خمیره خواهد شد بلکه عادات و اخلاق نیک و بد اجداد پدری و مادری نیز در طفل مؤثر است پدر و مادر هر صفت نیک و بد که دارا هستند بدون شك بطور ارث آنها را با اولاد خود خواهند داد.

در صفحه ۲۵۳ کتاب فوق خود در اجماع صفات و خصائل ارثی گوید اسباب هائی که برای دوریدن در انگلستان انتخاب میکنند حتماً باید از نژاد اسب های تیز دو و معروف باشند بهمین ملاحظه در تربیت این قبیل اسبها دقت مخصوص صرف میشود مخصوصاً در اصالت و نژاد این قبیل اسبها توجه کامل دارند که با نژاد دیگر مخلوط نشود تا آن صفات ارثی از بین نرود همینطورست صفات نیک و بد اجداد يك طفل تمام آنها در طفل بطور ارث ذاتی شده در مدت عمر خود تمام آن صفات را دارا خواهد بود و ممکن نیست جلوات آنها از او ظاهر نشود علماء طب که ایام عمر گرانمایه خود را وقف عضالعه احوال بشری کرده اند باین نتیجه

(۱) راجع به صفات و خصائل ارثی گوید

رسیده اند که هر گونه فکر و خیال هر قبیل پیشه و حرفه هر خوی و عادت و هر نوع اعمال خوب و بد که پدر و مادر در زمان بسته شدن جنین طفل دارا بودند بدون شك تمام آنها در نهاد طفل نقش خواهد بست .

حال اگر پدر و مادر مردمان درست کردار و درست گفتار باشند همین صفت را طفل آنها دارا خواهد بود . اگر دزد و متقلب باشند بی شك طفل آنها نیز با همان صفت بار خواهد آمد از والدین مهمل - ثبل - بکار - بی علم - بی دانش اطفال تقریباً با همان صفات بوجود خواهند آمد - پس برای داشتن اطفال صحیح المزاج با بنیه فنی درست و تنومند با فهم و شعور - جدی - چابک - دقیق - مطیع و مفید لازمست والدین آنها تمام این صفات را دارا باشند .

اگر تا امروز دارای این صفات نبودند از این بعد اگر میخواهند فرزندان آنها دارای صفات و اخلاق نیک باشند مجبورند خودشان را دین صفات متصف کنند قلباً روحاً خیالاً و عملاً خود را حاضر کنند که این صفات را فرا گیرند تا بتوانند تمام اینها را بطور ارث در نهاد اطفال خود جای دهند و اگر خدای نکرده دارای صفات زشت باشند برای خاطر اطفال هم شده باید آنها را از خود دور کنند .

دزدی - تقلب دروغگوئی - خیانت بملت و وطن و جامعه عادات زشت از قبیل استعمال الكل افیون حتی چپوق سیگار و قلیان تمام این آلودگی های زشت ارثی میشود و از پدر و مادر باطفال ارث میرسد اگر بخواهید اولاد شما از این عادات زشت عاری و بری باشند باید از تمام آنها عملاً خیالاً جسماً و روحاً احتراز کنید که اطفال

شما گرفتار این نوع بدبختی ها نشوند .

دکتر استن در کتاب معروف خود در صفحه ۲۵۴ گوید :

حکماء و اطباء که عمر عزیزشان در تحقیقات و تجربه این موضوع صرف شده عموماً تصدیق دارند که احوال روحی و جسمی پدر و مادر مقارن پیدایش طفل هر طور باشد طفل آنها همان حالت روحی و جسمی را خواهد گرفت و بعد از تولد و رشد و رسیدن بحد بلوغ همان حالات روحی و جسمی پدر و مادر خواهی نخواهی در طفل ظاهر خواهد شد ، ایران باندازه کافی بلکه از حد خود چندین برابر زیاد تر کور و کچل ، تبیل و بیکاره ، راشی و مرئشی ، الکلی و افغونی دزد متقلب اوباش و کلاش و مفتخوار دارد بهترست دیگر بواسطه رعایت اصول صحیح و مطابق حفظ الصحه و مراعات قوانین صحیح توالد و تناسل از ظهور و پیدایش این انواع جلوگیری کرد .

بر عهده اولیای امور است که از ازدواج اشخاص علیل المزاج و جانی ها و کسانی که دارای ناخوشی های مسری توالد و تناسلی هستند جلوگیری کنند جلوگیری این موضوع بسیار سهل و آسانست يك اعلان از طرف مجلس حفظ الصحه باید منتشر شود که هیچ يك از آقابان علماء قبول نکنند و صیغه عقد نخواهند مگر اینکه اشخاصی که میخواهند عیال اختیار کنند از يك دکتر امین ، متدین ، معروف و صاحب معلومات که محل و بوق باشد تصدیق صحت بدن و سلامتی مزاج خود را در دست داشته باشند .

بعقیده نگارنده برای مرد حتماً و بدون عذر در وقت ازدواج داشتن يك چنین تصدیق نامه از هر چیز واجب ترست اولیای دختر

کسی را که تصدیق سلامتی و صحت بدن خود را ارائه ندهد نباید بدامادی قبول کنند. این موضوع شرط اعظم وصلت باید باشد برای تشبیه شرح احوال يك چنین جوان را که در یاد داشتهای يك دکتر خوانده‌ام برای شما نقل میکنم:

«دکتر اف. گوید از جمله مرضای من يك جوان متمول خوش سیما و خوش اندام بود این جوان گرفتار ناخوشی معروف عالم تمدن (سقلیس) گردید من او را معالجه کردم و نصیحت نمودم که هیچوقت زن اختیار نکند مدتها پیش من برای معالجه می‌آمد و هر وقت صحبت از ازدواج خود مینمود من او را منع میکردم و باو عاقبت خطر نساك این اقدام را شرح میدادم و سعی میکردم از او قول بگیرم که هیچوقت چنین خیالی را در مغز خود جای ندهد و يك دختر معصوم بی‌گناه را مانند خود گرفتار و بدبخت نکند چندی بعد مرا بيك خانه دعوت نمودند که سر بالین يك مریضه بروم و قتی که حاضر شدم يك دختر جوان مانند ملائکه را دیدم که در رختخواب بی‌حس افتاده معلوم شد که چند روز قبل دختری از نوموتولد شده ناقص الخلقه و از دو چشم نا بینا مادر خود نیز در تشنجات اخیر مرگ گرفتارست و قتی که خوب دقیق شدم دیدم يك سال پیش نیست که شوهر اختیار نموده و مرض مسری شوهر باو سرایت کرده طفل را هم که بوجود آورده گرفتار همان مرضست دست و پای طفل کج و کوله و دو چشمش کور بود رقت بمن دست داد و بر این تمدن ظاهری لعنت کردم باو ایای مریضه گفتم دست از طفل بشویند زیرا که جان بدر نخواهد برد و چند روزه هم‌مان شماست ولی مادر را حفظ کنید و از شوهر او جدا کنید دستور لازم دادم و بعد از شش ماه معالجه

دختر بحال اولیه خود عود نمود ولی در این مدت تمام اوقات شوهر خود را از من پنهان میداشت و من هر قدر سعی میکردم که شوهر او را بشناسم ممکن نمی شد تا اینکه يك روز همان جوان را که مدتها پیش من برای معالجه مرض مسری خود میآمد در آن خانه دیدم بعد از تحقیق معلوم شد که شوهر مریضه منست با کمال مالایمت و با يك قیافه عبوس بار گفتم آقا بد کردی زن اختیار نمودی شما هم جنایت کار هستید و هم قاتل زیرا که این دختر معصوم را بدرد بی درمان خود مبتلا نمودی و باعث قتل يك طفل بی گناه گشتی . "

يك نکته دیگر لازمست که بزرگواران صحت و سلامتی بدن رعایت شود و آن حفظ و نگاهداری مادر است تا وقتی که حامله است باید او را کاملا خوشحال و راحت نگاهداشت و هیچوقت نگذاشت که اندوه و ملال در خاطر او راه پیدا کند و از شنیدن خبر حزن انگیز احترام از کمیند باید از دیدن مناظر زشت و اتفاقات سوء او را منع کرد مادامیکه حامله است از مجالس گریه و زاری و نوحه و مصیبت و عزا داری کماره کند هر چه بتواند گردش کند بشرطی که احساس خستگی نکند، تماشای گل و سبزه باغ و صحرا معاشرت با مردمان خوش خلق و نیک سیرت مذاکره و گفتگوی در مسائل علمی و اجتماعی و صنعتی بسیار مفیدست خواندن کتاب های اخلاقی علمی و ادبی از واجباتست .

دکتر خام در يك (۱) که مکرر نام نیک ایشان زبیب صفحات

این رساله شده است در کتاب معروف خود در صفحه ۱۴۲ داستان

شیرینی را حکایت میکند که عین ان اینست :

(۱) Enima F. Angeil Drake, M . D.

« يك سياحی در اطراف ایالت کالیفرنیا سیاحت میکرد شب در يك خانه فامیلی منزل کرد در میان اطفال آن خانواده يك دختر بسیار خوشگل و خوش اندام ملاحظه نمود که هیچ شباهت بسایر اطفال آنها نداشت این مسئله اسباب تعجب او شده و جرئت نمود از پدر و مادر اطفال حال دختر را سؤال کرد که آیا این دختر هم مال شماست و اگر چنینست چرا دیگران شبیه او نیستند مادر اطفال فوراً سرش را بلند کرد بانگسمی که علامت خوشحالی درونی او بود اظهار نمود که منم غالباً در این تعجب هستم که چرا این یکی در میان اولاد من اینطور زیبا و قشنگ شده و هیچ شباهتی بسایر فرزندان من ندارد فقط يك دلیل دارم که برای شما شرح خواهم داد.

تازه این طفل را حتمله بودم روزی يك کتاب فروشی بمنزل ما آمد و يك عده کتاب همراه داشت من آنها تماشا نمودم در میان آنها يك جلد کتاب شاعر و نویسنده معروف انگلیس سروالتر اسکات بود موسوم به ملکه دریاچه (۱) وقتی که من این کتاب را دیدم و صور آنرا نگاه کردم مقنون آن شدم و از شوهر خود تمنای نمودم آنرا برای من خریداری کند چون فقیر بودم و وجه موجودی نبود عذر آورد و ممکن نشد آن کتاب را خریداری کنم و آن کتاب فروش هم رفت ولی من تمام شب را از خندل آن کتاب نتوانستم بیرون بروم بالاخره با امید خرید آن شب را بصبح رساندم و میزان قیمت کتاب را فراهم آورده و همراه بر داشته دنبال کتاب فروش رفتم تا اینکه در يك خانه او را پیدا کرده آن کتاب را خریدم و يك عشقی باین کتاب پیدا کردم که همیشه و در تمام مدت

(۱) The Lady of The Lake by Sir W. scott.

حمل با آن کتاب بسر میبردیم و اغلب اشعار آنرا حفظ کردیم و چندین بار خود کتاب را از اول تا آخر خواندیم و این دختر در اثر همان کتاب باین زیبایی و قشنگی شده و در حقیقت همان ملکه دریاچه است .

دکتر جان کاورن در کتاب خود که موسوم بعلم حیات نازد است (۱) در صفحه ۱۶۱ گوید یکی از دوستان وارد اطاق شده چشمش بیک پرده نقاشی افتاد دید چه قدر بطنی که در کنار او بود شباهت دارد گفت اینصورت را چه قدر شبیه طفل کشیده است گفتم اشتباهت صورت طفل از روی آن نقاشی بر داشته شده تعجب کرد گفتم تعجب ندارد مادر این طفل باندازه این پرده را دوست می داشت که طفل او شبیه پرده نقاشی شده مناظر خوب و دلکش و نقاشی های قشنگ و صورت های خوب از جمله چیز هائیدست که باید اطاق یک زن حامله آنها را دارا باشد .

اطرافیان زن حامله باید قیافه های عبوس خودشان را از او پنهان کنند دشواری نواحی خانوادگی را بکلی کنار بگذارند شوهر و منسوبان باید ملتمس درجه ساعی باشند که زن حامله اقلاً در مدت حامله بودن شاد و خندان باشد .

یک موضوع مهم دیگری که بعهدۀ مادر است و باید در مدت حامله بودن خودش رعایت کند اینست که باید همیشه خود را از خیالات غم و نصح بیرون بیاورد و همیشه فکر خود را مشغول چیز های خوب دنیا کند و قلب خود را از آرایش پانک نگاهدارد دست و چشم خود را از هر چیز دور کند بهیچ چیز طمع نکند .

در يك كمپانی خواندم كه زن حامله كه وقت بدون اطلاع شوهرش از
 بونا او مبلغي برداشته بود بعدها كه طفل او دنيا آمد و نزرگ شد عادت
 نداشت در حقا و بدون اطلاع پسر و مادر هر چیزی كه متعلق پدر و مادر
 رده با تعلق منسوبان خود داشت ميبردند فقط با اموال خودی این تجاوز
 را حاضر دانسته بود و این عادت بهمیچوجه از او دور نمشد در ساختمان
 روحی و جسمی اولاد اخلاقی مادر حیای دخیلست و هرطور كه مادر بخواند
 طفل با همان صفت و اخلاق پرورش خواهد یافت پس بر عهده مادر است
 كه فكر و فطرت و روح خود را از هر حیرت كیف و پلید كندهء ناك و
 مریه نگاه دارد

مادرها امر دار آئنه ایران باید در دامان شما پرورش و تربیت شوند
 و هرطور كه شما بخواند همه با خواهند شد پس سعی كنید اولاد
 شما برای جامعه و برای وطن بسازد و بسازد كوئیس كنید دارای صفات يك
 و بسندیده شوند نفس بدانند با ملت چنین فرزندان تربیت نكنید هیچ
 يك از مقاصد اجتماعی ایران اصلاح بخواند شد ساختمان سل آئنه در
 شهادت همت كنید مردان يك كردار و درست گفتار بار بیاورید
 ن كنید ملت ایران يك همت برومند شود

تربیت خانواده

آنك داخل شده در قسم مهمه موضوع بحث خودمان
 بار از تربیت خود دست
 عرض از تربیت خود دست
 بار دخول بدیده آید
 در نظر من و مادر و ساری كه
 در نظر من و مادر و ساری كه
 در نظر من و مادر و ساری كه

رساله است چه تربیت خانواده اگر صحیح و مطابق اصول نظم و ترتیب باشد میتواند اساس تعلیم و تربیت آن طفل بوده باشد و بعد که بمدرسه داخل میشود این تعلیم و تربیت بحال او فوق العاده مفید واقع شود اگر خدای نخواسته طفل این تربیت اولیه را دارا نباشد در زحمت خواهد بود و از تعلیمات مدرسه بطوریکه شاید و باید بر خود دار نخواهد شد. اگر قدری فکر کنید خواهید دید که اصول تعلیم و تربیت بچه در این دوره بکلی تغییر کرده و هیچ شباهت با تربیتی که در سی سال بلکه در بیست سال قبل معمول بود ندارد کتب آن دوره بکلی از میان رفته بجای آن کتبی تدريس میشود که اگر طفل ذکی و باهوش باشد در مدت پنج سال تمام معلومات ابتدائی را فرا میگیرد و میتواند برای شما از تاریخ جغرافی با فیزیک شیمی نبات و حیوان حکایت کند در صورتیکه در سنوات قبل هیچیک از اینها جزو تعلیمات اطفال نبود عمه جزو ترسل بانصاب با منتهای گلستان سعدی بعد صرف ونحو و دنباله آن کشیده میشود بمطول نایست سال و سی سال بلکه چهل سال نیز میرسید و اسم ایشان باز طلبه بود و هی درس میخواندند.

حال دنیای عملست از انسان عمل میخواهند و جامعه از وجود او میخواهد استفاده کند دیگر بیست سال سی سال زیاد تر با و اجازه نمیدهند مشغول تحصیل شود محیط برای پرورش و نگاهداری او مثل سابق حاضر نیست انسان خود باید بعد از رشد و تمیز از خود نگاهداری کند از او کار و عمل میخواهند خانواده او یا ملت و وطن او از او انتظار سعی و عمل دارد و میخواهد بواسطه سعی و عمل او ملت بر خود دار باشد دو برابر ده برابر صد برابر هر قدر ممکن شود از آن مبرانی